

بررسی مؤلفه‌های رئالیسم سوسیالیستی در داستان «مجلس تودیع» اثر غلامحسین ساعدی

نسترن چاوشیان^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه ادبیات زبان فارسی، واحد شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: chavoshiannastaran@yahoo.com

چکیده

داستان «مجلس تودیع» اثر غلامحسین ساعدی نمونه‌ای برجسته از ادبیات رئالیسم سوسیالیستی است که با نگاهی انتقادی به مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه می‌پردازد. این داستان با نمایش زندگی طبقات فرودست، نقد نظام سرمایه‌داری، و دعوت به اتحاد و مبارزه، مؤلفه‌های اصلی رئالیسم سوسیالیستی را به خوبی بازتاب می‌دهد. ساعدی در این اثر، از تیپ‌سازی، زبان ساده، و نگاه انتقادی به فرهنگ و خرافات استفاده می‌کند تا پیام خود را به شکلی مؤثر به خواننده منتقل کند. این مقاله به بررسی میزان انطباق داستان کوتاه «مجلس تودیع» اثر غلامحسین ساعدی با اصول و مؤلفه‌های رئالیسم سوسیالیستی می‌پردازد. با تحلیل عناصری چون شخصیت‌پردازی، فضای داستان، روایت و پیام نهایی، تلاش می‌شود تا جایگاه این اثر در نسبت با جریان رئالیسم سوسیالیستی مشخص شود. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه ساعدی از تکنیک‌های رئالیستی برای نمایش واقعیت اجتماعی بهره برده، اما «مجلس تودیع» با اهداف و آرمان‌های رئالیسم سوسیالیستی ناسازگار است و می‌توان آن را بیشتر در زمره رئالیسم انتقادی قرار داد.

کلیدواژگان: غلامحسین ساعدی، مجلس تودیع، رئالیسم سوسیالیستی، رئالیسم انتقادی، ادبیات داستانی ایران.



شیوه استناددهی: چاوشیان، نسترن. (۱۴۰۳). بررسی مؤلفه‌های رئالیسم سوسیالیستی در داستان «مجلس تودیع» اثر غلامحسین ساعدی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۴)، ۳۲-۵۵.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۱ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۹ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱ دی ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

Examining the Elements of Socialist Realism in the Short Story “The Farewell Ceremony” by Gholam-Hossein Sa'edi

Nastaran Chavoshian¹

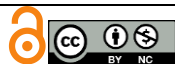
1. Master's Student, Department of Persian Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

*Corresponding Author's Email: chavoshiannastaran@yahoo.com

Abstract

The short story *The Farewell Ceremony* by Gholam-Hossein Sa'edi is a prominent example of socialist realism literature, which critically addresses the social and economic issues of society. This story effectively reflects the key components of socialist realism by portraying the lives of the lower classes, critiquing the capitalist system, and advocating for unity and struggle. In this work, Sa'edi employs characterization, simple language, and a critical perspective on culture and superstitions to effectively convey his message to the reader. This article examines the extent to which *The Farewell Ceremony* aligns with the principles and elements of socialist realism. By analyzing elements such as character development, narrative setting, storytelling techniques, and the final message, this study aims to determine the position of this work within the context of socialist realism. The findings indicate that although Sa'edi employs realist techniques to depict social realities, *The Farewell Ceremony* is inconsistent with the objectives and ideals of socialist realism and can be more accurately classified under critical realism.

Keywords: Gholam-Hossein Sa'edi, *The Farewell Ceremony*, socialist realism, critical realism, Iranian fiction.



How to cite: Chavoshian, N. (2024). Examining the Elements of Socialist Realism in the Short Story “The Farewell Ceremony” by Gholam-Hossein Sa'edi. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(4), 32-55.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 25 October 2024

Revise Date: 2 December 2024

Accept Date: 10 December 2024

Publish Date: 22 December 2024

مقدمه

رنالیسم سوسیالیستی به عنوان یکی از مهم‌ترین مکاتب ادبی قرن بیستم، با هدف بازتاب واقعیت‌های اجتماعی و حمایت از طبقات محروم شکل گرفت. این مکتب ادبی که ریشه در اندیشه‌های مارکسیستی دارد، بر این باور است که ادبیات باید ابزاری برای آگاهی‌بخشی و ایجاد تغییرات اجتماعی باشد. رنالیسم سوسیالیستی با نگاهی انتقادی به ساختارهای ناعادلانه‌ی جامعه، به ویژه نظام سرمایه‌داری، می‌پردازد و از طریق نمایش زندگی طبقات فرودست، خواننده را به تفکر درباره‌ی نابرابری‌ها و نیاز به تغییر دعوت می‌کند (1).

رنالیسم سوسیالیستی، جنبشی ادبی و هنری بود که در شوروی سابق و کشورهای تحت نفوذ آن رواج یافت. این سبک، با هدف نمایش واقعیت اجتماعی و مبارزات طبقه کارگر برای رسیدن به جامعه کمونیستی، تکنیک‌های خاصی را به کار می‌برد (2). از جمله این تکنیک‌ها می‌توان به شخصیت‌پردازی قهرمانانه و مثبت، نمایش واقعیت به شکلی ایده‌آل‌زده شده، تأکید بر مبارزه طبقاتی و پیش‌بینی پیروزی نهایی طبقه کارگر اشاره کرد. در این مقاله، با بررسی داستان کوتاه «مجلس تودیع» اثر غلامحسین ساعدی، به تحلیل میزان انطباق این اثر با مؤلفه‌های رنالیسم سوسیالیستی می‌پردازیم. رنالیسم سوسیالیستی یک مکتب ادبی و هنری است که به خصوص در کشورهای سوسیالیستی به وجود آمد و تأثیرات زیادی در زمینه‌های اجتماعی و ادبی داشته است. غلامحسین ساعدی، یکی از برجسته‌ترین نویسندگان ایرانی، در آثار خود به ویژه در داستان «مجلس تودیع»، به خوبی از مؤلفه‌های رنالیسم سوسیالیستی بهره برده است. ساعدی با نگاهی عمیق به مسائل اجتماعی و اقتصادی، زندگی شخصیت‌هایی را به تصویر می‌کشد که درگیر فقر، نابرابری، و ستم هستند. او از طریق تیپ‌سازی، نقد نظام سرمایه‌داری، و نمایش همبستگی بین فرودستان، خواننده را با واقعیت‌های تلخ جامعه مواجه می‌کند (3-5).

در این بررسی، مؤلفه‌های رنالیسم سوسیالیستی در داستان «مجلس تودیع» تحلیل می‌شود. این مؤلفه‌ها شامل توجه به طبقات فرودست، نقد نظام سرمایه‌داری، دعوت به اتحاد و مبارزه، تیپ‌سازی، نگاه انتقادی به فرهنگ و خرافات، و استفاده از زبان ساده و قابل فهم هستند. هر یک از این مؤلفه‌ها به ساعدی می‌کند تا پیام خود را به شکلی مؤثر به خواننده منتقل کند و او را به تفکر درباره‌ی نیاز به تغییرات اجتماعی دعوت نماید (6). گستره وسیع آفرینش ادبی ساعدی، او را به یک نویسنده منحصر به فرد بدل کرده است. در کارنامه او انواع آثار داستانی اعم از داستان کوتاه، داستان بلند، رمان، نمایشنامه، فیلمنامه، ترجمه، پژوهش و تک‌نگاری و حتی لال بازی دیده می‌شود. ضمن اینکه تجربیات تحصیلی و شغلی وی و سفرهای فراوان به دور دست‌ترین مناطق، آثار او را از دیگر آثار در بازتاب واقعیت و خیال و مرز این دو متمایز می‌کند (7-9). فضا سازی در مرز واقعیت و خیال ویژگی خاص آثار ساعدی است که در آثارش داستان‌هایی را میتوان یافت که به سبک رنالیسم جادویی نوشته شده اند و داستان‌هایی که تنها رگه‌هایی از رنالیسم جادویی را در خود دارند. دیگر آثار ساعدی نیز مبتنی بر واقع گرایی است. در این این پژوهش ضمن بررسی داستان‌های ساعدی در هر دو زمینه (واقع گرایی و فرا واقع گرایی)، علل و عواملی که سبب میشود مرز واقعیت و خیال شکسته شود و عنصر وهم و خیال بر واقعیت غلبه یابد، مورد توجه قرار خواهد گرفت. ذکر این نکته ضروری است که بررسی بازتاب رنالیسم جادویی در آثار داستانی غلامحسین ساعدی نباید به این معنا تلقی شود که این آثار کاملاً با ویژگیهای این مکتب ادبی منطبق است (10). در این مقاله، مؤلفه‌های رنالیسم سوسیالیستی در داستان «مجلس تودیع» تحلیل می‌شود. این مؤلفه‌ها شامل توجه به طبقات فرودست، نقد نظام سرمایه‌داری، دعوت به اتحاد و مبارزه، تیپ‌سازی، نگاه انتقادی به فرهنگ و خرافات، و استفاده از زبان ساده و قابل فهم هستند. هر یک از این مؤلفه‌ها به ساعدی

صورت گرفته و بدین منظور ابتدا با مراجعه مستقیم به مراکز کتابخانه‌ای اطلاعاتی جامع برای تحقیق تهیه شد.

رنالیسم

از نظر واژگان، اصطلاح رنالیسم از ریشه لغت رس (res) به معنی چیز است و رنالیسم یعنی چیزگرایی، یا شیئیت و از حیث اصطلاح بر مکتبی در ادبیات اطلاق می‌شود که تصویری از واقعیات، چشم اندازهای زندگی، خارج و آزاد از ایدئالیسم، ذهنگرایی و رنگ رمانتیک باشد (14). ساده‌تر آنکه رنالیسم با امری ملموس و بیرون از ذهن سروکار دارد و درست همین موضوع، بسیار پیچیده و محل تأمل است و از همین جاست که گاه رنالیسم را مفهومی ریاکار و رسوا دانسته‌اند (15). تعریف رنالیسم با عبارت «نمایاندن زندگی آنچنان که واقعا هست»، هر چند درست ولی حاکی از ابهام و در عین حال نشانه ساده فرض کردن زندگی است. رنالیسم بیان واقعی زندگی و واقعیت است، ولی نه زندگی و نه واقعیت، هیچ یک، ساده و یکدست نیست (16). حقیقت آنکه رنالیسم اصطلاحی است که از حوزه تفکرات فلسفی وارد نقد ادبی شد. هدف رنالیسم، جستجو و بیان کیفیات واقعی هر چیز و روابط درونی بین یک پدیده و دیگر پدیده‌هاست. ادبیات رئالیستی موجودات طبیعی و اجتماعی را به عنوان موجودات منفرد و قائم بالذات مورد مطالعه قرار نمیدهد بلکه با آن‌ها به مثابه حلقه‌های زنجیر بی‌پایان عمل و عکس‌العمل رفتار می‌کند (17).

رنالیسم، به‌عنوان مکتب ادبی، بیش از هر جای دیگر، در فرانسه به‌میان آمد (11). جوهر رنالیسم عبارت است از: تحلیل اجتماعی، مطالعه و تجسم زندگی انسان در جامعه، مطالعه و تجسم روابط اجتماعی، روابط میان فرد و جامعه، و ساختمان خود جامعه (10). نام رنالیسم و قواعد مکتب آن را نخست، شانفلوی در اولین نوشته‌های خود به تاریخ ۱۸۴۳ به میان آورد (10). شانفلوی در سال ۱۸۷۲ رنالیسم را چنین تعریف می‌کند: «انسان امروز، در تمدن جدید». در سال ۱۸۷۲ مویاسان، صورت دیگری از این تعریف را

کمک می‌کند تا پیام خود را به شکلی مؤثر به خواننده منتقل کند و او را به تفکر درباره‌ی نیاز به تغییرات اجتماعی دعوت نماید (10).

ساعدی در «مجلس تودیع» با استفاده از زبان ساده و طنز سیاه، به نقد ساختارهای ناعادلانه‌ی جامعه می‌پردازد. او با نمایش زندگی شخصیت‌های فرودست و مشکلات آن‌ها، خواننده را با واقعیت‌های تلخ جامعه مواجه می‌کند. این داستان نه تنها یک اثر ادبی قدرتمند است، بلکه به عنوان ابزاری برای آگاهی‌بخشی و دعوت به تغییر اجتماعی نیز عمل می‌کند. این بررسی نشان می‌دهد که چگونه ساعدی از ادبیات به عنوان ابزاری برای بازتاب واقعیت‌های اجتماعی و ایجاد تغییرات اجتماعی استفاده می‌کند. داستان «مجلس تودیع» نمونه‌ای بارز از ادبیات رنالیسم سوسیالیستی است که با نگاهی انتقادی به مسائل اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد (11, 12).

بررسی این مؤلفه‌ها نه تنها به درک بهتر داستان «مجلس تودیع» کمک می‌کند، بلکه نشان‌دهنده‌ی تأثیر ادبیات به عنوان ابزاری برای آگاهی‌بخشی و ایجاد تغییرات اجتماعی است. این تحلیل همچنین اهمیت رنالیسم سوسیالیستی را در ادبیات معاصر ایران و نقش آن در بازتاب واقعیت‌های اجتماعی برجسته می‌سازد (13). «مجلس تودیع» داستانی است که در آن زندگی مردم عادی و مشکلات اجتماعی آنان به شیوه‌ای واقع‌گرایانه به تصویر کشیده شده است. ساعدی با استفاده از توصیفات دقیق و واقع‌گرایانه، به بررسی مسائل اجتماعی، فساد و بی‌عدالتی پرداخته و به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی اشاره می‌کند.

روش کار

جهت دستیابی به اهداف پژوهش، از روش توصیفی و تحلیلی از طریق بررسی و تحلیل آثار داستانی غلامحسین ساعدی استفاده شد. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای

می‌آورد: کشف و ارائه آنچه انسان معاصر واقعا هست. مقاله رنه ولک، درباره مفهوم رئالیسم دارای دیدگاهی تاریخی است و از این رو، او رئالیسم را یک روش میدانند. یک روش، یک جریان بزرگ که محدودیتها و نقصها و قراردادهای خود را دارد (10). ادبیات رئالیستی، طبعاً موضوع خود را جامعه معاصر و مسائل آن قرار میدهد، یعنی چنین جامعه‌ای وجود دارد و اثر ادبی را مجبور میسازد که به میان و تحلیل آن پردازد (10). تیپوده منتقد و فیلسوف بزرگ فرانسوی، رمان رئالیستی را فرونشستن یک هیجان، میخواند. رئالیسم را نتیجه نوعی سرخوردگی می‌شمارند که به دنبال سال ۸۴۸۱ و زایل شدن رویاهای بزرگ حاصل شده است (11). رئالیسم به عنوان وجدان ادبیات، اعتراف می‌کند که مالیاتی، غرامتی به دنیای واقع بدهکار است، دنیایی واقعی که او خود را بیچون و چرا بدان تسلیم می‌کند. پس رئالیسم یک فرمول هنری است که با درک خاصی از واقعیت می‌کوشد تصویری از آن ارائه کند (10). رئالیسم راه خود را از عرصه زندگی روزانه آغاز کرد. ترسیم زندگی اجتماعی را می‌توان در فکاهیات، داستان‌های کوتاه طنزآمیز و موزون، و بعدها در داستان‌های عیاران که از بطن خروشان طغیان‌های تودهای، شورش‌های دهقانی و جنگ‌های خونین مذهبی در سده‌های شانزدهم و هفدهم سربرون آورده بود، مشاهده کرد. لیکن، این، نه رئالیسم به معنای دقیق بلکه پیش-درآمدی بر رئالیسم بود (11). رئالیسم مضمون تمامی ادبیات و هنر- تجسم جهان و احساس‌های بشری- را جذب کرد آن را به صورت یک اصل درآورد و بدینوسیله از نسخه‌برداری صرف از واقعیت و ارائه ذهنی طبیعت انسان به عنوان جولانگاه هیجان‌های عنان گسیخته، فراتر رفت.

بررسی عناصر داستانی در رئالیسم

مکتب‌های ادبی و به ویژه آثار رئالیستی در قالب داستان و به ویژه رمان طرح ریزی می‌شود. بنابراین جهت آشنایی اجمالی با ساختار داستان که از ویژگیهای خاصی نیز برخوردارند، به بررسی آن دسته

از عناصر داستان خواهیم پرداخت که متفاوت از آثار غیر رئالیستی باشند.

۱. موضوع و درون مایه

موضوع و درون مایه، پایه‌های اصلی داستان را بنا نهاده و نویسنده را به حرکت وامی‌دارد. البته «موضوع» را نباید با «درون مایه» یکی گرفت. چنین اشتباهی موجب عدم فهم خواننده و سردرگمی او می‌شود. درون مایه چیزی است که از «موضوع» بدست می‌آید (12). درون مایه حاصل موضوع داستان است که بر گستردگی و تکامل داستان تأکید می‌کند یعنی فکر یا مجموعه افکاری که موضوع اساسی مورد نظر نویسنده را استحکام می‌بخشد و «داستان را به وحدت هنری سوق میدهد». بنابراین «موضوع، شامل پدیده‌ها و حادثه‌هایی است که داستان را می‌آفریند و درون مایه را تصویر می‌کند، به عبارت دیگر موضوع قلمرویی است که در آن خلاقیت می‌تواند درون مایه خود را به نمایش گذارد.» (13).

۲. شخصیت پردازی

شخصیت پردازی عبارت است از مشخص کردن فردیت شخص. هم فلاسفه و هم رمان نویسان بسیار بیشتر از آنچه تا آن زمان متداول بود به فردیت خاص اشخاص توجه کردند. از آن جا که هر فرد در زندگی واقعی نام خاص دارد، رمان نویسان نیز نوعاً با نامگذاری شخصیت‌ها سعی در خاص جلوه دادن آن‌ها دارند. مسأله هویت فردی، منطقاً ارتباط تنگاتنگی با جایگاه معرفت شناختی اسامی خاص دارد، زیرا به قول هابز، «اسامی خاص یک چیز را به ذهن متبادر می‌کنند، اما کلی‌ها چیزهای متعددی را به ذهن می‌آورند.» در زندگی اجتماعی، اسامی خاص دقیقاً همین نقش را دارند (14). دیگر اینکه نویسنده رئالیست دوست دارد کاری کند که خوانندگانش چنان با شخصیت‌های او اخت شوند و دمساز گردند که خودشان ببینند آفریدگان ذهن او به راستی آدمیانی هستند که سخن می‌گویند و در تکاپو و جنبشند و زندگی می‌کنند.

۳. پیرنگ

پیرنگ، نقش، سطح، الگو یا شبکه استدلالی حوادث در داستان است و چون و چرایی حوادث را در نظر خواننده منطقی جلوه می‌کند. از این نظر پیرنگ تنها ترتیب و توالی حوادث نیست، بلکه مجموعه سازمان یافته وقایع است یا در حقیقت نقل حوادث است با تکیه بر روابط علی و معلولی. در هر اثر ادبی پیرنگ نشان می‌دهد که هر حادثه‌ای به چه دلیل اتفاق افتاده است و بعد از آن نیز چه حوادثی و به چه دلیل اتفاق می‌افتد (10).

۴. زمان و مکان

همانطور که کولریچ اشاره می‌کند، به لحاظ روان شناختی، پنداشتی که از زمان داریم «همواره با تصویر مکان پیوند می‌خورد». در واقع این دو بعد به دلیل بسیاری مقاصد عملی، از یکدیگر جدایی ناپذیرند، همان گونه که اطلاق پذیری واژه‌های «حاضر» و «دقیقه» به هر دوی این ابعاد نیز دلالت بر همین جدایی ناپذیری دارد. در عین حال، اگر خوب دقت کنیم می‌بینیم که نمی‌توانیم به سهولت برهه‌ای خاص از هستی را مجسم کنیم مگر اینکه آن را در زمینه مکانی‌اش قرار دهیم (11).

رنالیسم سوسیالیستی

مکتبی که به واقعیت‌ها می‌پردازد، مکتب رنالیستی است. رنالیسم به انواع مختلفی چون: رنالیسم انتقادی، رنالیسم سوسیالیستی، نئورنالیسم و رنالیسم جادویی تقسیم شود. رنالیسم سوسیالیستی در اثنای اولین کنگره نویسندگان شوروی که در ماه مه ۱۹۳۴ در مسکو تشکیل شد، شکل کامل خود را پیدا کرد (10). رنالیسم سوسیالیستی، بیشتر به ایجاد تحولاتی در محتوای آثار ادبی پرداخت و بر اساس مفاهیم و مضامینی نظیر مبارزه با سرمایه داری، خوشبینی تاریخی، جنگ، انقلاب، تاریخگرایی آگاهانه، کارگر، رهبران انقلاب و ارتش سرخ به ادبیات و هنر راه یافت (10). در ایران بعد از نهضت مشروطه قانون توجه قرار گرفت و پایه شکلگیری آثاری از جمله ادبیات داستانی با مضمون سیاسی و اجتماعی شد (9).

یکی از انواع این مکتب، رنالیسم سوسیالیستی است که به‌طور دقیق درباره مسائل و مشکلات اجتماعی، روابط افراد جامعه، ارتباطشان با محیط زندگی و آینده آن‌ها سخن می‌گوید. همواره در طول تاریخ مشاهده شده است که بی‌توجهی به امری باعث تشدید آن شده است.

رنالیسم سوسیالیستی در قلمرو هنر و ادبیات مکتبی شمرده می‌شود که پس از انقلاب اکتبر در اتحادیه شوروی محقق شد. این مکتب ادبی نوعی زیباشناسی سیاسی است که قابل بر وحدت مکانیکی اصول ایدئولوژیک و استتیک است. منابع نظری رنالیسم سوسیالیستی برگرفته از آراء کارل مارکس فردریش انگلس و ولادیمیر ایچ لنین است. البته ماکسیم گورکی نخستین کسی است که الگوهای هنری موفق این مکتب را تدوین نمود و زمان مادر وی به عنوان الگوی هنری مناسب برای نویسندگان این مکتب در آمد. بنابراین برای شناخت این رویکرد نخست باید به بررسی آراء مارکس و انگلس در باب ادبیات و هنر پرداخت سپس با بررسی مضامین و آراء نویسندگان شوروی نظیر ماکسیم گورکی و شولوخف ویژگی‌های شاخص آن را در زادگاه واقعی‌اش، شوروی، ترسیم کرد.

رنالیسم سوسیالیستی یکی از مکتب‌هایی است که به وسیله آن واقعیت‌ها عمیق و دقیق نشان داده می‌شود. این مکتب آنچه را در جوامع رخ داده است؛ با توصیف جزئیات حوادث، نمایاندن واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی در قالب داستان و رمان به تصویر میکشد.

معرفی و تحلیل کتاب «مجلس تودیع» اثر غلامحسین ساعدی

غلامحسین ساعدی، یکی از برجسته‌ترین نویسندگان ایرانی، در کتاب «مجلس تودیع» به بررسی مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ی ایران می‌پردازد. این کتاب، که مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه است، با نگاهی انتقادی به زندگی طبقات فرودست و مشکلات آن‌ها، خواننده را با واقعیت‌های تلخ جامعه مواجه

می‌کند. ساعدی در این اثر، از مؤلفه‌های رئالیسم سوسیالیستی بهره می‌برد تا پیام خود را به شکلی مؤثر به خواننده منتقل کند.

«مجلس تودیع» شامل چندین داستان کوتاه است که هر یک به موضوعات مختلفی از جمله فقر، نابرابری اجتماعی، ستم، و مشکلات زندگی روزمره می‌پردازند. شخصیت‌های داستان‌ها اغلب از اقشار کارگر، روستاییان، و افراد محروم جامعه هستند که درگیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی می‌باشند. ساعدی با توصیف دقیق شرایط زندگی این شخصیت‌ها، خواننده را با واقعیت‌های تلخ جامعه مواجه می‌کند (11).

ساعدی در «مجلس تودیع» از زبان ساده و محاوره‌ای استفاده می‌کند که به داستان‌ها حالتی واقع‌گرایانه و نزدیک به زندگی روزمره می‌دهد. این سبک روایی باعث می‌شود که داستان‌ها برای خوانندگان عام نیز جذاب و قابل درک باشند.

«مجلس تودیع» غلامحسین ساعدی نمونه‌ای بارز از ادبیات رئالیسم سوسیالیستی است که با نگاهی انتقادی به مسائل اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد. این کتاب نه تنها یک اثر ادبی قدرتمند است، بلکه به عنوان ابزاری برای آگاهی‌بخشی و دعوت به تغییر اجتماعی نیز عمل می‌کند (12).

«مجلس تودیع» نه تنها به عنوان یک اثر ادبی برجسته شناخته می‌شود، بلکه به عنوان یک سند تاریخی و اجتماعی نیز اهمیت دارد. ساعدی با این اثر، نه تنها به بررسی مشکلات و چالش‌های جامعه خود پرداخته، بلکه به خواننده این امکان را داده است تا نگاهی عمیق‌تر به مسائلی که در زیر سطح جامعه جریان دارد، داشته باشد. این داستان به یادگاری ارزشمند از مبارزات اجتماعی و اقتصادی گذشته تبدیل شده و همچنان می‌تواند به عنوان منبع الهام برای نسل‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد. مجلس تودיעی برای یکی از مدیران کل در محوطه شرکت دخانیات ترتیب داده شده است، ولی از مدیر کل خبری نیست. این مراسم با مراسم‌های

تودیع دیگر کمی فرق می‌کند و آن اینکه تا بحال هیچ کدام از مدیران کل زنده این شهر را ترک نکرده‌اند (13).

در پایان هم مشخص می‌شود که مدیر کل مرده است و مراسم تودیع او به تشییع تبدیل می‌شود. تودیع رئیسی که تا پایان کار بر مسند نشسته و تنها مرگ است که او را از پستش جدا می‌کند. مردمانی که در حسرت دیدن مجلس تودیع رئیس سالیان سال است که منتظرند و چنین واقعه‌ای را باور نمی‌کنند. اینکه رئیسی با پای خود از مسند کنار رود نه با مرگ (14).

[بگذار حدافل برای یک بار هم که شده، در مجلس تودיעی شرکت کنیم و وداع یک رئیس را به چشم خود ببینیم ص ۱۱۸]
داستان پر است از کنایه‌های کارمندانی که سالهاست در حسرت تودیع رئیسند.

[روسای محترم با فوت خودشان ما را از مجالس تودیع بی‌نصیب گذاشته اند، ص ۱۱۸]

و صحنه آخر خوشحالی مردم در مرگ اوست.

[برگردیم گیلان دیگری بزنیم، ص ۱۲۵]

گویی رئیس و نوع حکومت او تا سال‌های سال دست از سر مردم برنخواهد داشت و تأثیرات مخرب وجود او تمام شدنی نیست.

تأثیر داستان «مجلس تودیع» بر خوانندگان و جامعه

اثر غلامحسین ساعدی با ایجاد همذات‌پنداری قوی و نمایش واقعیات زندگی مردم عادی، توانسته است بر خوانندگان تأثیر عمیقی بگذارد. این داستان باعث می‌شود خوانندگان به وضعیت جامعه خود بیشتر توجه کنند و به نقشی که می‌توانند در تغییر و بهبود وضعیت عمومی جامعه ایفا کنند، بیندیشند (15-18).

بررسی مؤلفه‌های رئالیسم سوسیالیستی

رئالیسم سوسیالیستی به عنوان یکی از مهم‌ترین مکاتب ادبی قرن بیستم، با هدف بازتاب واقعیت‌های اجتماعی و حمایت از طبقات محروم شکل گرفت. این مکتب ادبی که ریشه در اندیشه‌های

نقش آگاهی‌بخش هنرمند

ساعدی به عنوان یک نویسنده، نقش آگاهی‌بخش هنرمند را به خوبی ایفا کرده و با نقد مسائل اجتماعی و اقتصادی، به دنبال تغییرات مثبت در جامعه است.

در داستان "مجلس تودیع"، غلامحسین ساعدی با استفاده از توصیفات واقع‌گرایانه، زندگی مردم عادی را به تصویر می‌کشد. این توصیفات شامل جزئیاتی از محیط زندگی، رفتارهای روزمره و مشکلات معیشتی افراد است که به خواننده کمک می‌کند تا با فضای داستان ارتباط برقرار کند. برای مثال، صحنه‌های مرتبط با مراسم‌های اجتماعی و نشست‌های خانوادگی به دقت توصیف شده‌اند تا واقعیت‌های جامعه را به تصویر بکشند.

تمرکز بر طبقات پایین جامعه

یکی از ویژگی‌های بارز رئالیسم سوسیالیستی، توجه ویژه به طبقات پایین جامعه و مشکلات آنهاست. در "مجلس تودیع"، ساعدی به خوبی نشان می‌دهد که چگونه افراد درگیر فقر و بی‌عدالتی اجتماعی هستند. شخصیت‌های داستان، عمدتاً از اقشار پایین جامعه‌اند که برای کسب روزی و گذران زندگی در شرایط سخت و نامساعد می‌جنگند.

در این داستان، مراسم تودیع که در ظاهر قرار است یک مراسم رسمی باشد، درواقع نمادی از فراموشی و بی‌اعتنایی به سرنوشت افراد ضعیف جامعه است. مراسمی که برای رئیس‌ان و افراد مهم است، برای کسانی که از سیستم حاکم سود می‌برند، اما برای توده‌ها و کسانی که در حاشیه‌اند، هیچ ارزشی ندارد. این توجه به بی‌عدالتی‌های اجتماعی یکی از ویژگی‌های بارز رئالیسم سوسیالیستی است.

نقد قدرت و ظلم حاکم

در آثار رئالیسم سوسیالیستی، نقد قدرت و ساختارهای اجتماعی که موجب ظلم و ستم به اقشار ضعیف می‌شوند، جایگاه ویژه‌ای دارد. در "مجلس تودیع"، ساعدی به شیوه‌ای غیرمستقیم، ساختار

مارکسیستی دارد، بر این باور است که ادبیات باید ابزاری برای آگاهی‌بخشی و ایجاد تغییرات اجتماعی باشد (18). رئالیسم سوسیالیستی با نگاهی انتقادی به ساختارهای ناعادلانه‌ی جامعه، به ویژه نظام سرمایه‌داری، می‌پردازد و از طریق نمایش زندگی طبقات فرودست، خواننده را به تفکر درباره‌ی نابرابری‌ها و نیاز به تغییر دعوت می‌کند. همچنین رئالیسم سوسیالیستی با نگاهی انتقادی به مسائل اجتماعی و اقتصادی، به عنوان ابزاری برای آگاهی‌بخشی و ایجاد تغییرات اجتماعی عمل می‌کند. این مکتب ادبی با نمایش زندگی طبقات فرودست، نقد نظام سرمایه‌داری، و دعوت به اتحاد و مبارزه، خواننده را به تفکر درباره‌ی نیاز به تغییرات اجتماعی دعوت می‌کند (15). در این بخش، به بررسی مؤلفه‌های اصلی رئالیسم سوسیالیستی می‌پردازیم:

توصیف واقع‌گرایانه از زندگی مردم عادی

در داستان "مجلس تودیع" زندگی مردم عادی، با همه مشکلات، سختی‌ها و امیدهایشان به شیوه‌ای واقع‌گرایانه به تصویر کشیده شده است. ساعدی با توصیف‌های دقیق و جزئی، خواننده را به دنیای داستان می‌برد و احساس همدلی و همذات‌پنداری را تقویت می‌کند.

نقد نظام اجتماعی و اقتصادی

یکی از ویژگی‌های مهم رئالیسم سوسیالیستی، نقد نظام اجتماعی و اقتصادی است که در این داستان نیز به وضوح دیده می‌شود. ساعدی با نشان دادن فساد و بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه، به نقد نظام حکومتی و اجتماعی می‌پردازد و خواستار تغییرات بنیادی می‌شود.

تأکید بر ارزش‌های انسانی و اجتماعی

در این داستان، ارزش‌های انسانی و اجتماعی مانند همبستگی، عدالت، صداقت و مبارزه با فساد به طور برجسته‌ای مطرح شده‌اند. ساعدی با تأکید بر این ارزش‌ها، به دنبال ایجاد آگاهی و تغییر در جامعه است.

تصویرگری واقعیت اجتماعی

یکی دیگر از ویژگی‌های رئالیسم سوسیالیستی، نمایش دقیق و بی‌پرده از واقعیت‌های اجتماعی است. در «مجلس تودیع»، ساعدی به شکلی بسیار صادقانه و بی‌پرده، شرایط اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه را به تصویر می‌کشد. او هیچ‌گونه آرایشی به این واقعیت‌ها نمی‌دهد و از هیچ‌چیز برای نمایش تناقضات و مشکلات اجتماعی پنهان نمی‌کند. این رویکرد نشان‌دهنده‌ی واقع‌گرایی خاصی است که در آثار رئالیسم سوسیالیستی مشهود است.

توجه به طبقات فرودست و فقر اقتصادی

یکی از مؤلفه‌های اصلی رئالیسم سوسیالیستی، تمرکز بر زندگی طبقات فرودست و مشکلات اقتصادی آن‌ها است. این مکتب ادبی با نمایش شرایط سخت زندگی کارگران، کشاورزان، و دیگر اقشار محروم، خواننده را با واقعیت‌های تلخ جامعه مواجه می‌کند. برای مثال، در آثار نویسندگانی مانند ماکسیم گورکی، زندگی کارگران و فقر شدید آن‌ها به تصویر کشیده می‌شود (19). این رویکرد به خواننده نشان می‌دهد که فقر تنها یک مشکل فردی نیست، بلکه نتیجه‌ی ساختارهای ناعادلانه‌ی اجتماعی و اقتصادی است.

نقد نظام سرمایه‌داری و ستمگران

رئالیسم سوسیالیستی به شدت به نقد نظام سرمایه‌داری و طبقات حاکم می‌پردازد. این مکتب ادبی با نمایش استثمار کارگران و نابرابری‌های اجتماعی، خواننده را به تفکر درباره‌ی نیاز به تغییر ساختارهای ناعادلانه دعوت می‌کند. برای مثال، در رمان «مادر» اثر ماکسیم گورکی، نظام سرمایه‌داری به عنوان عامل اصلی ستم بر کارگران و فرودستان به تصویر کشیده می‌شود (20).

دعوت به اتحاد و مبارزه

رئالیسم سوسیالیستی اغلب به دعوت به اتحاد و مبارزه علیه ستمگران می‌پردازد. این مکتب ادبی با نمایش همبستگی بین فرودستان، خواننده را به مشارکت در تغییرات اجتماعی تشویق می‌کند. برای مثال، در رمان «خوشه‌های خشم» اثر جان اشتاین‌بک،

قدرت و روابط اجتماعی حاکم بر جامعه را نقد می‌کند. افرادی که در این مراسم شرکت دارند، نشان‌دهنده‌ی طبقات بالای جامعه هستند که به هیچ‌وجه دغدغه‌ی مردم فقیر را ندارند. داستان به نوعی به نقد رابطه‌ی میان قدرت و نابرابری اجتماعی می‌پردازد. شخصیت‌هایی که در این مراسم حاضرند، نمایندگان دولتی، رؤسای و شخصیت‌های وابسته به رژیم هستند که همگی در فضای دروغین و خالی از حقیقت قرار دارند. در این فضا، فردیت انسان‌ها و مشکلات واقعی مردم به فراموشی سپرده می‌شود.

پایان تراژیک و لحن بدبینانه

یکی از مولفه‌های دیگر رئالیسم سوسیالیستی، وجود پایانی است که حقیقت‌های تلخ و ناامیدکننده را نمایان می‌کند. در «مجلس تودیع»، ساعدی از همان ابتدا با لحن بدبینانه و غم‌انگیز خود، نشان می‌دهد که هیچ امیدی برای تغییر در این ساختار اجتماعی وجود ندارد. پایان داستان، در واقع، تصویری از بی‌عدالتی و عدم تغییر است.

این نوع پایان‌بندی‌ها در رئالیسم سوسیالیستی، نشان‌دهنده‌ی دور بودن از هرگونه خوش‌بینی و امید بی‌پایه است. ساعدی در این داستان به خوبی نشان می‌دهد که حتی در یک مراسم رسمی که ظاهراً می‌تواند فرصتی برای تغییر و تحول باشد، واقعیت‌های تلخ و دشوار همچنان حاکم است.

شخصیت‌های نمادین

در رئالیسم سوسیالیستی، شخصیت‌ها معمولاً نماد طبقات اجتماعی خاص یا مسائل اجتماعی هستند. در «مجلس تودیع»، شخصیت‌ها بیشتر از آنکه به عنوان افراد حقیقی در داستان مطرح شوند، به نمادهایی از طبقات اجتماعی و مشکلات اجتماعی تبدیل می‌شوند. شخصیت‌هایی که در این داستان حضور دارند، به نوعی نمایندگان جامعه‌ی تحت ستم‌اند. در حقیقت، این شخصیت‌ها از ابتدا تا انتها در مسیر زندگی‌شان دچار تغییرات و تحولات عمیقی نمی‌شوند، بلکه همچنان به همان وضعیت رنج‌آور خود ادامه می‌دهند.

شخصیت‌های داستان با اتحاد و همکاری، در برابر ستمگران ایستادگی می‌کنند (18).

تیپ‌سازی و شخصیت‌پردازی

در رئالیسم سوسیالیستی، شخصیت‌ها اغلب به عنوان نماینده‌های طبقات اجتماعی خاص تصویر می‌شوند. این تیپ‌سازی به نویسنده کمک می‌کند تا مسائل اجتماعی را به شکلی ساده و قابل فهم برای خواننده بیان کند. برای مثال، در رمان «زمین» اثر میخائیل شولوخوف، شخصیت‌های داستان نماینده‌ی طبقات مختلف جامعه هستند (19).

نگاه انتقادی به فرهنگ و خرافات

رئالیسم سوسیالیستی به نقد فرهنگ و خرافات رایج در جامعه می‌پردازد. این مکتب ادبی با نمایش تأثیرات منفی خرافات و باورهای غلط بر زندگی شخصیت‌ها، خواننده را به تفکر درباره‌ی نیاز به تغییرات فرهنگی دعوت می‌کند. برای مثال، در رمان «دون آرام» اثر میخائیل شولوخوف، تأثیرات منفی فرهنگ و خرافات بر زندگی شخصیت‌ها به تصویر کشیده می‌شود (15).

سبک روایی و زبان ساده

رئالیسم سوسیالیستی معمولاً از زبان ساده و قابل فهم برای عموم استفاده می‌کند تا پیام خود را به طور مؤثر منتقل کند. این سبک روایی باعث می‌شود که داستان برای خوانندگان عام نیز جذاب و قابل درک باشد. برای مثال، در رمان «خوشه‌های خشم» اثر جان اشتاین‌بک، زبان ساده و محاوره‌ای به داستان حالتی واقع‌گرایانه و نزدیک به زندگی روزمره می‌دهد (16).

تحلیل مؤلفه‌های رئالیسم سوسیالیستی در داستان «مجلس تودیع»

توصیف واقع‌گرایانه از زندگی مردم عادی

در داستان «مجلس تودیع» زندگی مردم عادی، با همه مشکلات، سختی‌ها و امیدهایشان به شیوه‌ای واقع‌گرایانه به تصویر کشیده شده است. ساعدی با توصیف‌های دقیق و جزئی، خواننده را به

دنیای داستان می‌برد و احساس همدلی و همذات‌پنداری را تقویت می‌کند.

غلامحسین ساعدی در بخش‌هایی از داستان، زندگی و محیط روستایی‌نشینان را با جزئیات دقیق توصیف می‌کند. برای مثال، یک صحنه از داستان این گونه است:

«هوا گرگ و میش بود و صدای اذان در فضا پیچیده بود. مردان روستا با کلاه‌ها بر سر و داس‌ها در دست، به سمت مزارع حرکت می‌کردند. بچه‌ها با لباس‌های مندرس از خانه‌ها بیرون می‌زدند تا به مدرسه روستا بروند.»

این توصیف‌ها واقعیت‌های معیشتی و اجتماعی مردم عادی را به خواننده نزدیک‌تر می‌کند و همذات‌پنداری را تقویت می‌نمایند.

۱. توجه به طبقات فرودست و فقر اقتصادی

رئالیسم سوسیالیستی همواره بر نمایش زندگی طبقات فرودست و مشکلات اقتصادی آن‌ها تأکید دارد. در داستان «مجلس تودیع»، غلامحسین ساعدی با نگاهی دقیق به زندگی شخصیت‌هایی می‌پردازد که درگیر فقر و مشکلات معیشتی هستند. این شخصیت‌ها اغلب از اقشار کارگر یا روستایی هستند که درگیر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی می‌باشند. ساعدی با توصیف دقیق شرایط زندگی این شخصیت‌ها، خواننده را با واقعیت‌های تلخ جامعه مواجه می‌کند. برای مثال، در بخش‌هایی از داستان، شخصیت‌ها درگیر مشکلاتی مانند بیکاری، کمبود غذا، و ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه هستند. این توصیفات به خوبی نشان‌دهنده‌ی تأثیر فقر بر زندگی افراد است (17). ساعدی با این رویکرد، به خواننده نشان می‌دهد که فقر تنها یک مشکل فردی نیست، بلکه نتیجه‌ی ساختارهای ناعادلانه‌ی اجتماعی و اقتصادی است. این موضوع یکی از مؤلفه‌های اصلی رئالیسم سوسیالیستی است که بر مسئولیت جامعه در قبال بهبود شرایط زندگی فرودستان تأکید می‌کند (14).

رنالیسم سوسیالیستی همواره بر نمایش زندگی طبقات فرودست و مشکلات اقتصادی آن‌ها تأکید دارد. در داستان «مجلس تودیع»، ساعدی با نگاهی دقیق به زندگی شخصیت‌هایی می‌پردازد که درگیر فقر و مشکلات معیشتی هستند. این شخصیت‌ها اغلب از اقشار کارگر یا روستایی هستند که درگیر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی می‌باشند. ساعدی با توصیف دقیق شرایط زندگی این شخصیت‌ها، خواننده را با واقعیت‌های تلخ جامعه مواجه می‌کند. برای مثال، در بخش‌هایی از داستان، شخصیت‌ها درگیر مشکلاتی مانند بیکاری، کمبود غذا، و ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه هستند. این توصیفات به خوبی نشان‌دهنده تأثیر فقر بر زندگی افراد است (10).

ساعدی با این رویکرد، به خواننده نشان می‌دهد که فقر تنها یک مشکل فردی نیست، بلکه نتیجه‌ی ساختارهای ناعادلانه‌ی اجتماعی و اقتصادی است. این موضوع یکی از مؤلفه‌های اصلی رنالیسم سوسیالیستی است که بر مسئولیت جامعه در قبال بهبود شرایط زندگی فرودستان تأکید می‌کند (11).

۲. نقد نظام سرمایه‌داری و ستمگران

یکی از مؤلفه‌های اصلی رنالیسم سوسیالیستی، نقد نظام سرمایه‌داری و طبقات حاکم است. در داستان «مجلس تودیع»، ساعدی با استفاده از طنز سیاه و روایت‌های تلخ، به نقد نظامی می‌پردازد که باعث ایجاد فاصله طبقاتی و ستم بر فرودستان شده است. این نقد به صورت غیرمستقیم و از طریق رفتار و گفتار شخصیت‌ها بیان می‌شود. برای مثال، شخصیت‌های قدرتمند در داستان اغلب به عنوان افرادی خودخواه و ستمگر تصویر می‌شوند که از موقعیت خود برای استثمار دیگران استفاده می‌کنند (12). ساعدی با این رویکرد، خواننده را به تفکر درباره‌ی نابرابری‌های اجتماعی و نیاز به تغییر ساختارهای ناعادلانه دعوت می‌کند. این نقد نظام سرمایه‌داری و ستمگران، یکی از مؤلفه‌های کلیدی

رنالیسم سوسیالیستی است که در آثار بسیاری از نویسندگان این مکتب دیده می‌شود (13).

۳. دعوت به اتحاد و مبارزه

رنالیسم سوسیالیستی اغلب به دعوت به اتحاد و مبارزه علیه ستمگران می‌پردازد. در داستان «مجلس تودیع»، ساعدی با نمایش همبستگی بین شخصیت‌های فرودست، این مفهوم را تقویت می‌کند. او نشان می‌دهد که تنها از طریق اتحاد و همکاری می‌توان بر مشکلات غلبه کرد. برای مثال، در بخش‌هایی از داستان، شخصیت‌ها برای حل مشکلات خود به یکدیگر کمک می‌کنند و در برابر ستمگران ایستادگی می‌کنند (11). این صحنه‌ها به خوبی نشان‌دهنده اهمیت همبستگی و مبارزه جمعی در رنالیسم سوسیالیستی هستند. ساعدی با این رویکرد، خواننده را به مشارکت در تغییرات اجتماعی و حمایت از فرودستان تشویق می‌کند. این موضوع یکی از اهداف اصلی رنالیسم سوسیالیستی است که بر نقش ادبیات در ایجاد آگاهی اجتماعی تأکید می‌کند (12).

۴. تیپ‌سازی و شخصیت‌پردازی

در رنالیسم سوسیالیستی، شخصیت‌ها اغلب به عنوان نماینده‌های طبقات اجتماعی خاص تصویر می‌شوند. در «مجلس تودیع»، ساعدی از تیپ‌سازی استفاده می‌کند تا شخصیت‌هایی را خلق کند که نماینده‌ی طبقات کارگر و فرودست هستند. این شخصیت‌ها با ویژگی‌های مشخص و کلیشه‌ای خود، به خوبی شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه را بازتاب می‌دهند. برای مثال، شخصیت‌های کارگر در داستان اغلب به عنوان افرادی سخت‌کوش اما فقیر تصویر می‌شوند که درگیر مشکلات ناشی از نابرابری‌های اجتماعی هستند (10). این تیپ‌سازی به ساعدی کمک می‌کند تا مسائل اجتماعی را به شکلی ساده و قابل فهم برای خواننده بیان کند. این رویکرد یکی از مؤلفه‌های اصلی رنالیسم سوسیالیستی است که بر نقش ادبیات در بازتاب واقعیت‌های اجتماعی تأکید می‌کند (12).

۵. نگاه انتقادی به فرهنگ و خرافات

ساعدی در «مجلس تودیع» به نقد فرهنگ و خرافات رایج در جامعه می‌پردازد. این نقد به عنوان بخشی از رئالیسم سوسیالیستی، نشان‌دهنده تلاش برای تغییر و بهبود شرایط اجتماعی است. او با نمایش تأثیرات منفی خرافات و باورهای غلط بر زندگی شخصیت‌ها، به خواننده هشدار می‌دهد که این مسائل مانع پیشرفت جامعه می‌شوند. برای مثال، در بخش‌هایی از داستان، شخصیت‌ها به دلیل باورهای خرافی دچار مشکلاتی می‌شوند که می‌توانستند از آن‌ها جلوگیری کنند (19)؛ ساعدی با این رویکرد، خواننده را به تفکر درباره تأثیرات منفی فرهنگ و خرافات بر جامعه دعوت می‌کند. این موضوع یکی از مؤلفه‌های اصلی رئالیسم سوسیالیستی است که بر نقش ادبیات در ایجاد تغییرات اجتماعی تأکید می‌کند (20).

۶. سبک روایی و زبان ساده

رئالیسم سوسیالیستی معمولاً از زبان ساده و قابل فهم برای عموم استفاده می‌کند تا پیام خود را به طور مؤثر منتقل کند. در «مجلس تودیع»، ساعدی از زبان محاوره‌ای و ساده استفاده می‌کند که به داستان حالتی واقع‌گرایانه و نزدیک به زندگی روزمره می‌دهد. این سبک روایی باعث می‌شود که داستان برای خوانندگان عام نیز جذاب و قابل درک باشد. برای مثال، در بخش‌هایی از داستان، شخصیت‌ها با زبانی ساده و خودمانی با یکدیگر صحبت می‌کنند که به داستان حالتی واقع‌گرایانه می‌دهد (21). این رویکرد یکی از مؤلفه‌های اصلی رئالیسم سوسیالیستی است که بر نقش ادبیات در ارتباط با عموم مردم تأکید می‌کند (22).

تأکید بر ارزش‌های انسانی و اجتماعی

ساعدی در داستان «مجلس تودیع» به تأکید بر ارزش‌های انسانی و اجتماعی مانند همبستگی، عدالت و صداقت پرداخته است. این ارزش‌ها در شخصیت‌پردازی و رویدادهای داستان به خوبی نمود پیدا کرده‌اند. برای مثال، شخصیت‌های داستان اغلب در مقابل فساد

و بی‌عدالتی مقاومت می‌کنند و به دنبال تحقق عدالت و رفع نابرابری‌ها هستند. این تأکید بر ارزش‌های انسانی و اجتماعی به خواننده کمک می‌کند تا پیام اصلی داستان را درک کند و به اهمیت ارزش‌های اخلاقی در جامعه پی ببرد.

نقش آگاهی‌بخش هنرمند

ساعدی در نقش هنرمند، با نشان دادن واقعیت‌ها و مشکلات جامعه، به دنبال آگاهی‌بخشی است. در یکی از بخش‌های داستان، نویسنده می‌آورد:

"هر چقدر بیشتر با حقیقت‌های جامعه روبرو شیم، قدرت بیشتری برای تغییر اون خواهیم داشت. باید چشم‌مانو باز کنیم و با آگاهی به این وضعیت نگاه کنیم."

این قسمت نمایانگر نقش آگاهی‌بخش هنرمند است که سعی در ایجاد تغییر از طریق تشویق به تفکر و بازنگری در وضعیت موجود دارد.

نمونه نقل قول‌های بالا نشان می‌دهد که چگونه غلامحسین ساعدی با استفاده از عناصر رئالیسم سوسیالیستی، به توصیف دقیق زندگی مردم عادی، نقد نظام اجتماعی و اقتصادی، تأکید بر ارزش‌های انسانی و اجتماعی و نقش آگاهی‌بخش هنرمند پرداخته است.

داستان «مجلس تودیع» غلامحسین ساعدی، به رغم برخی ویژگی‌های رئالیستی، به طور کامل منطبق بر اصول رئالیسم سوسیالیستی نیست. رئالیسم سوسیالیستی، ایدئولوژی هنری مرتبط با شوروی سابق، بر نمایش زندگی طبقه کارگر و مبارزات آن‌ها برای رسیدن به جامعه کمونیستی تأکید داشت. این سبک، به دنبال نمایش واقعیت به شکلی ایده‌آلیزه شده بود که قهرمانان مثبت و منفی را به وضوح از هم جدا می‌کرد و پیروزی نهایی طبقه کارگر را پیش‌بینی می‌کرد.

در «مجلس تودیع»، ساعدی به شکلی رئالیستی به تصویر کشیدن زندگی مردم روستا و مشکلات آن‌ها می‌پردازد. فقر، بی‌سوادی، بی‌عدالتی، و فساد اداری از جمله عناصری هستند که با جزئیات و

ریزبینی قابل توجهی به تصویر کشیده شده‌اند. اما این واقع‌گرایی، با تلخی و یاس همراه است و برخلاف رئالیسم سوسیالیستی، هیچ امیدی به آینده یا قهرمانی که بتواند وضعیت را تغییر دهد به نمایش نمی‌گذارد.

بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی

فقر و فلاکت

داستان به وضوح فقر و فلاکت مردم روستایی را به تصویر می‌کشد. خانه‌های کاهگلی، لباس‌های مندرس، و چهره‌های رنج‌کشیده، همگی نشان‌دهنده وضعیت بد اقتصادی اهالی روستا است.

مثال: توصیف لباس‌های پاره‌پوره و ژنده‌ای که افراد حاضر در مراسم بر تن دارند، یا اشاره به خانه‌هایی که سقفشان در حال ریزش است.

بی‌عدالتی و ظلم: داستان به بی‌عدالتی و ظلمی که بر مردم روستا روا داشته می‌شود، اشاره دارد. این ظلم هم از جانب اربابان و افراد متمول و هم از جانب نیروهای دولتی است.

مثال: رفتارهای زورگویانه پاسبان، بی‌توجهی ارباب به مشکلات مردم، و تحمیل هزینه‌های سنگین مراسم ترحیم بر خانواده فقیر. مراسم مذهبی و خرافات: داستان به مراسم مذهبی و خرافاتی که در بین مردم رواج دارد، اشاره می‌کند. این مراسم گاهی اوقات جنبه‌های ناخوشایند و تحمیلی به خود می‌گیرند.

مثال: اصرار مردم بر برگزاری مراسم ترحیم پر زرق و برق، با وجود فقر و تنگدستی. همچنین اعتقاد به خرافاتی مانند تاثیر مراسم بر روح متوفی.

شخصیت‌های واقعی و باورپذیر

شخصیت‌های طبقاتی: شخصیت‌های داستان هر یک نماینده طبقه خاصی هستند. خانواده فقیر متوفی، پاسبان زورگو، ارباب بی‌اعتنا، و روحانی منفعت‌طلب. هر کدام تیپ‌هایی واقعی و قابل لمس در جامعه روستایی هستند.

مثال: مادر داغدار که بیش از هر چیز نگران آبروی خود و خانواده در بین مردم است، یا پاسبانی که از موقعیت خود برای ترساندن و باج گرفتن از مردم سوء استفاده می‌کند.

شخصیت‌های با انگیزه‌های فردی: هر یک از شخصیت‌ها انگیزه‌های خود را دنبال می‌کنند. برخی به دنبال جلب توجه، برخی به دنبال کسب سود، و برخی به دنبال رفع تکلیف هستند.

مثال: روحانی که به خاطر منافع شخصی حاضر به خواندن نماز و مراسم است، یا زن همسایه که صرفاً برای فضولی در مراسم شرکت می‌کند.

توجه به جزئیات و فضاسازی

توصیف دقیق مکان: ساعدی با توصیفات دقیق خود، فضای یک روستای فقیر و محروم را به تصویر می‌کشد. جزئیات مانند گل و لای کوچه‌ها، خانه‌های فرسوده، و صدای حیوانات، در القای حس واقعیت موثر هستند.

مثال: توصیف فضای پر از گرد و خاک و شلوغی مراسم، یا اشاره به بوی نامطبوع ناشی از تعفن جسد.

توصیف دقیق رفتار و گفتار شخصیت‌ها: نویسنده به حرکات، لحن و نوع گفتار شخصیت‌ها با دقت توجه کرده است. این جزئیات باعث باورپذیر شدن شخصیت‌ها و فضای داستان شده است.

مثال: لحن تند و آمرانه پاسبان، زبان عامیانه و محاوره‌ای مردم روستا، و حرکات عصبی و پریشان مادر داغدار.

استفاده از زبان محاوره: دیالوگ‌های داستان به زبان محاوره و محلی بسیار نزدیک هستند و حس واقعیت را القا می‌کنند.

موضوعات انسانی و اجتماعی

فقر و مرگ: داستان نشان می‌دهد که چگونه فقر و فلاکت، زندگی و حتی مرگ انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مراسم ترحیم تبدیل به ابزاری برای نمایش فقر و تفاوت‌های طبقاتی می‌شود. مثال: تحمیل هزینه‌های سنگین مراسم ترحیم بر خانواده‌ای که حتی پول خرید نان ندارند.

تأثیر سنت‌های دست و پاگیر: داستان به انتقاد از برخی سنت‌های دست و پاگیر و بی‌فایده جامعه روستایی می‌پردازد. این سنت‌ها گاهی اوقات به جای تسلی بخشیدن به داغدیدگان، موجب تحمیل فشار مضاعف بر آن‌ها می‌شوند.

مثال: اصرار مردم بر برگزاری مراسم پر زرق و برق، صرف نظر از وضعیت مالی خانواده متوفی.

فریبکاری و ریا: داستان به ریاکاری و فریبکاری برخی افراد در جامعه اشاره می‌کند. افراد سودجو از موقعیت‌های مختلف برای کسب منافع شخصی خود سوء استفاده می‌کنند.

مثال: رفتار ریاکارانه روحانی که تنها به فکر کسب درآمد است، یا چاپلوسی افراد به دنبال جلب رضایت ارباب.

روایت عینی و بی‌طرفانه

عدم دخالت نویسنده: نویسنده سعی می‌کند تا حد امکان از دخالت مستقیم در روایت خودداری کند و اجازه دهد که داستان خود روایت شود. این موضوع بسیار هوشمندانه صورت گرفته است و به نویسنده این امکان را داده است تا با استفاده از این زاویه دید داستان نگاه خود را به مسائل اجتماعی بیان کند.

استفاده از زاویه دید سوم شخص محدود: داستان از زاویه دید سوم شخص محدود روایت می‌شود که به باورپذیری و واقع‌گرایی داستان کمک می‌کند.

در مجموع، داستان «مجلس تودیع» با بازنمایی دقیق واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی، شخصیت‌های باورپذیر، توجه به جزئیات و موضوعات انسانی و اجتماعی، نمونه‌ای موفق از ادبیات رئالیستی فارسی است. این داستان به خوبی نشان می‌دهد که چگونه فقر، خرافات، و سنت‌های دست و پاگیر می‌توانند بر زندگی و مرگ افراد تأثیر بگذارند.

مثال‌هایی دیگر از وجود مولفه‌های رئالیستی در متن داستان

جزئیات مربوط به فقر و محرومیت

توصیف خانه

«خانه، اتاقی گلی بود با سقفی کوتاه که در اثر باران‌های پی در پی نم کشیده و ترک برداشته بود. پنجره‌ای کوچک داشت که با تکه‌ای پارچه پاره پوشانده شده بود.» این توصیف دقیق، وضعیت نامناسب محل زندگی خانواده متوفی را نشان می‌دهد.

وضعیت غذا

«مادر، قابلمه‌ای کوچک را روی اجاق گذاشت. بوی سوختگی بلند شد. غذا چیزی نبود جز آب رقیق و چند تکه سیب‌زمینی.» این تصویر نشان دهنده فقر غذایی و کمبود امکانات در روستا است.

وسایل و لوازم

«اطراف اتاق چند تکه حصیر و یک مشک آب افتاده بود. هیچ وسیله دیگری نبود. حتی رختخوابی درست و حسابی برای خوابیدن نداشتند.» این توصیف فقر مادی و کمبود امکانات زندگی را به خوبی نشان می‌دهد.

لباس‌ها

«لباس‌های همه ژنده و پاره بود. بعضی‌ها کفش نداشتند و با پاهای برهنه روی زمین خاکی راه می‌رفتند.» این جزئیات به تصویر کشیدن وضعیت اسفناک افراد از لحاظ پوشاک کمک می‌کند.

جزئیات مربوط به رفتارهای شخصیت‌ها

رفتار پاسبان

«پاسبان با صدای بلند و لحن آمرانه حرف می‌زد. دست‌هایش را به کمرش زده بود و مدام این طرف و آن طرف قدم می‌زد. انگار مالک همه‌جا بود.» این توصیف نشان دهنده قدرت و زورگویی پاسبان و سوء استفاده او از موقعیتش است.

«پاسبان با چکمه‌هایش روی خاک قدم می‌زد و گاهی لگدی هم به بچه‌ها می‌زد.» این رفتار نشان دهنده خشونت و بی‌رحمی او است.

رفتار مادر داغدار

«مادر مدام ناله می‌کرد و دست‌هایش را به سرش می‌زد. اما در عین حال مواظب بود که گریه‌اش زیاد بلند نشود و آبروی خانواده‌اش

جنبه‌های زبانی

استفاده از اصطلاحات محلی

استفاده از اصطلاحات و کلمات محلی و خاص روستایی، به واقع گرای و اصالت زبان داستان کمک می‌کند.

زبان عامیانه

دیالوگ‌های بین شخصیت‌ها به زبان عامیانه و محاوره‌ای بسیار نزدیک است که به باورپذیر شدن شخصیت‌ها کمک می‌کند.

با استفاده از این مثال‌ها، می‌توان دید که چگونه ساعدی با دقت فراوان به جزئیات، تصویری کامل و واقع‌گرایانه از زندگی در یک روستای فقیر و محروم ارائه می‌دهد. او با نشان دادن فقر، بی‌عدالتی، خرافات، ریاکاری و سایر مشکلات اجتماعی، به خلق اثری قدرتمند و تأثیرگذار دست یافته است.

رناليسم انتقادی

انتقاد به سنت‌ها: داستان تنها یک بازنمایی ساده از واقعیت نیست، بلکه به نقد سنت‌های دست و پاگیر و بیهوده نیز می‌پردازد. مثال: اصرار مردم بر برگزاری مراسم پرزرق و برق در حالی که خانواده متوفی در فقر به سر می‌برد، نشان دهنده نقد ساعدی به این گونه سنت‌هاست. مثال: پرداختن به این موضوع که مراسم ترحیم بیشتر تبدیل به نمایشی برای نشان دادن وضع اجتماعی افراد شده و نه عزاداری واقعی. انتقاد به ساختار قدرت: ساعدی با به تصویر کشیدن رفتارهای پاسبان و ارباب، به طور ضمنی به نقد ساختار قدرت در جامعه روستایی می‌پردازد.

مثال: نمایش رفتار زورگویانه پاسبان و سوء استفاده او از قدرت، نشان دهنده نقدی است بر نظام فاسدی که به چنین افرادی اجازه می‌دهد تا بر مردم ظلم کنند.

مثال: بی‌توجهی ارباب به وضعیت مردم فقیر، نشان دهنده نقد ساعدی به بی‌عدالتی موجود در ساختار اجتماعی است.

انتقاد به ریاکاری: داستان به شدت ریاکاری و تظاهر را نقد می‌کند.

پیش مردم نرود.» این رفتار نشان دهنده تضاد بین غم و اندوه واقعی و نگرانی‌های اجتماعی است.

«مادر، به جای اینکه به فکر فرزند از دست رفته‌اش باشد، مدام به فکر تدارک مراسم ترحیم و حفظ آبرو بود.» این جزئیات نشان می‌دهد که چگونه فشارهای اجتماعی گاهی اوقات بر احساسات واقعی فرد غلبه می‌کنند.

رفتار روحانی

«روحانی با چشمان خمار و صدایی گرفته دعا می‌خواند. اما مدام به فکر این بود که چقدر پول می‌گیرد.» این رفتار نشان دهنده ریاکاری و منفعت‌طلبی روحانی است.

«روحانی قبل از شروع دعا، با صدای آرام با مادر متوفی بر سر قیمت‌ها چانه می‌زد.» این جزئیات نشان دهنده عدم تعهد او به وظایف مذهبی است.

جزئیات مربوط به فضا سازی

فضای مراسم ترحیم

«مراسم ترحیم شلوغ و پر هرج و مرج بود. صدای گریه و ناله از هر طرف به گوش می‌رسید. بوی غذا و تعفن جسد با هم درآمیخته بود.» این توصیف، حس شلوغی، آشفتگی و غم را به خوبی منتقل می‌کند.

«گرد و خاک همه جا را پوشانده بود. بچه‌ها در میان جمعیت می‌دویدند و بازی می‌کردند.» این جزئیات نشان دهنده بی‌توجهی به حرمت مراسم و فضای نامناسب آن است.

فضای روستا

«کوچه‌های روستا باریک و کثیف بود. خانه‌ها گلی و فرسوده بودند. در و دیوارها پر از لکه و کثیفی بود.» این توصیف، فضای خفقان آور و محروم روستا را به تصویر می‌کشد.

«بوی نامطبوع حیوانات و فاضلاب در هوا پیچیده بود. سگ‌های ولگرد در کوچه‌ها پرسه می‌زدند.» این جزئیات حس ناخوشایندی را منتقل می‌کنند.

مثال: روحانی که به جای توجه به معنویت مراسم، به دنبال کسب درآمد است، نمونه‌ای از این ریاکاری است.

مثال: رفتارهای ساختگی برخی از اهالی روستا که صرفاً برای جلب توجه در مراسم شرکت کرده‌اند، نقدی بر تظاهر اجتماعی است.

رناليسم روانشناختی

نمایش تضادهای درونی: ساعدی به خوبی تضادهای درونی شخصیت‌ها را به نمایش می‌گذارد. مثال: تضاد بین غم و اندوه واقعی مادر و دغدغه‌های اجتماعی و آبروداری او، نشان دهنده عمق روانشناختی شخصیت است.

مثال: پریشانی و اضطراب پنهان برخی از شخصیت‌ها در زیر نقاب ظاهری، نشان دهنده پیچیدگی‌های روانشناختی افراد است.

تأثیر شرایط اجتماعی بر روان افراد: داستان نشان می‌دهد که چگونه فقر، ظلم، و فشارهای اجتماعی می‌توانند بر روان افراد تأثیر بگذارند.

مثال: نشان دادن استرس و اضطراب ناشی از فقر و نگرانی از هزینه‌های مراسم ترحیم بر خانواده متوفی، نشان دهنده این تأثیر است.

مثال: نمایش دادن سکوت و انفعال برخی از مردم در برابر زورگویی، نشان دهنده تأثیر ترس و ناامیدی بر روان افراد است.

ساختار روایی:

روایت محدود: داستان از زاویه دید سوم شخص محدود روایت می‌شود، که تمرکز را بر وقایع و شخصیت‌ها در یک فضای محدود قرار می‌دهد. این روش به باورپذیری و واقع‌گرایی بیشتر داستان کمک می‌کند.

استفاده از صحنه‌های کوتاه: ساعدی از صحنه‌های کوتاه و متوالی استفاده می‌کند تا جریان وقایع را به صورت پیوسته نشان دهد. این تکنیک باعث ایجاد ریتمی سریع و پویا در داستان می‌شود.

پرهیز از قضاوت مستقیم: ساعدی معمولاً از ارائه قضاوت مستقیم خودداری می‌کند و اجازه می‌دهد تا خواننده بر اساس شواهد و

وقایع، برداشت خود را از داستان داشته باشد. این روش روایی، به واقع‌گرایی و عینیت داستان کمک می‌کند.

ایجاد فضای ابهام: داستان در عین حال که واقعیت را نشان می‌دهد، فضایی از ابهام و سوال را نیز ایجاد می‌کند. این ابهام باعث می‌شود تا خواننده به فکر کردن و تحلیل بیشتر داستان تشویق شود.

جزئیات تکمیلی

توجه به حواس: ساعدی در توصیفات خود به حواس مختلف توجه می‌کند. بوی نامطبوع، صداهای ناهنجار، تصویرهای کثیف و خشن، همگی برای القای حس واقعیت استفاده می‌شوند.

مثال: توصیف بوی تعفن جسد، بوی غذا، صدای گریه و ناله، و صدای حیوانات، همگی حواس مختلف مخاطب را درگیر می‌کند. استفاده از نمادها: برخی از عناصر داستان، جنبه نمادین دارند و به مفاهیم عمیق‌تر اشاره می‌کنند.

مثال: فضای شلوغ و پر هرج و مرج مراسم ترحیم، می‌تواند نمادی از آشفتگی و بی‌سامانی جامعه باشد.

لحن طنز آمیز: در برخی از قسمت‌های داستان، ساعدی از لحن طنز آمیز استفاده می‌کند که در عین حال که تلخ است، انتقادی نیز هست.

مثال: استفاده از لحن کنایی در توصیف رفتارهای ریاکارانه برخی از شخصیت‌ها.

تحلیل عناصر داستان مجلس تودیع

شخصیت‌ها

شخصیت‌های تیپیکال: ساعدی از شخصیت‌هایی استفاده می‌کند که بیشتر نماینده طبقات و گروه‌های اجتماعی خاصی هستند تا افرادی کاملاً منحصر به فرد. این نوع شخصیت‌پردازی، به رنالیسم و ایجاد تصویری جامع از جامعه کمک می‌کند.

مادر داغدار: نماینده زنان روستایی که با فقر و مشکلات فراوان دست و پنجه نرم می‌کنند و در عین حال، فشارهای اجتماعی را نیز تحمل می‌کنند.

پاسبان: نماینده ساختار قدرت و فساد در روستا، شخصیتی زورگو و بی‌رحم که از موقعیت خود سوء استفاده می‌کند.

روحانی: نماینده ریاکاری و منفعت‌طلبی در نظام مذهبی، کسی که به جای دغدغه معنویت، به دنبال کسب پول است.

مردم روستا: گروهی که از فقر و نادانی رنج می‌برند، تحت سلطه قدرت هستند و به سنت‌های بیهوده پایبندند.

شخصیت‌های تخت و گرد: شخصیت‌ها در این داستان بیشتر به صورت تخت (flat) هستند، یعنی تغییر چندانی در طول داستان نمی‌کنند و ویژگی‌های مشخصی دارند. اما در برخی موارد، نشانه‌هایی از شخصیت‌های گرد (round) نیز دیده می‌شود، به ویژه در مورد مادر داغدار که تضادهای درونی او به تصویر کشیده می‌شود.

شخصیت‌های منفعل: بسیاری از شخصیت‌ها، به خصوص مردم عادی، بیشتر منفعل و تحت تاثیر شرایط هستند تا اینکه فعالانه در وقایع نقش داشته باشند. این نشان دهنده ناتوانی و درماندگی آن‌ها در برابر سیستم است.

طرح (Plot)

طرح ساده: طرح داستان نسبتاً ساده است و حول محور یک رویداد مرکزی، یعنی برگزاری مراسم ترحیم، شکل می‌گیرد. این سادگی به تمرکز بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی و انسانی داستان کمک می‌کند.

پرهیز از گره افکنی و گره‌گشایی پیچیده: در داستان، خبری از گره‌افکنی‌های پیچیده یا گره‌گشایی‌های دراماتیک نیست. وقایع به صورت پیوسته و واقع‌گرایانه پیش می‌روند.

توالی زمانی خطی: وقایع داستان به صورت خطی و متوالی روایت می‌شوند و فلاش‌بک یا پرش‌های زمانی چندانی در آن دیده نمی‌شود.

تمرکز بر کنش‌های بیرونی: بیشتر تمرکز داستان بر کنش‌های بیرونی شخصیت‌ها و وقایعی است که در مراسم ترحیم رخ می‌دهد تا بر افکار و احساسات درونی آن‌ها.

زاویه دید (Point of View)

سوم شخص محدود: داستان از زاویه دید سوم شخص محدود روایت می‌شود. این بدان معناست که راوی از دیدگاه بیرونی به وقایع نگاه می‌کند، اما به افکار و احساسات یک یا چند شخصیت (معمولاً مادر داغدار) دسترسی محدود دارد.

عدم حضور راوی دانای کل: راوی دانای کل نیست و از افکار و احساسات همه شخصیت‌ها آگاه نیست. این محدودیت دید، به واقع‌گرایی داستان کمک می‌کند.

پرهیز از قضاوت مستقیم: راوی معمولاً از ارائه قضاوت مستقیم خودداری می‌کند و اجازه می‌دهد تا خواننده بر اساس شواهد و وقایع، برداشت خود را از داستان داشته باشد.

زمان و مکان

زمان محدود: زمان داستان محدود به یک روز و برگزاری مراسم ترحیم است. این محدودیت زمانی باعث ایجاد تمرکز بیشتر بر وقایع و شخصیت‌های این روز می‌شود.

مکان مشخص: مکان داستان یک روستای کوچک و فقیر است. این مکان به عنوان نمادی از فقر، عقب ماندگی و محرومیت در جامعه روستایی عمل می‌کند.

توصیفات دقیق از مکان: ساعدی با توصیفات دقیق از مکان، به خوبی فضای روستا و شرایط زندگی در آن را به تصویر می‌کشد. مثال: توصیف کوچه‌های باریک و کثیف، خانه‌های گلی و فرسوده، و فضای آشفته مراسم ترحیم.

تاثیر مکان بر شخصیت‌ها: مکان تاثیر زیادی بر شخصیت‌ها و رفتارهای آن‌ها دارد. فقر و محرومیت، باعث شکل‌گیری دیدگاه‌ها و کنش‌های خاصی در شخصیت‌ها می‌شود.

لحن و سبک (Tone and Style)

لحن واقع‌گرایانه: لحن داستان واقع‌گرایانه و عینی است. ساعدی سعی می‌کند وقایع و شخصیت‌ها را همانطور که هستند، به تصویر بکشد.

سبک ساده و روان: سبک نوشتاری ساعدی ساده و روان است و از پیچیدگی‌های زبانی پرهیز می‌کند. این سادگی باعث می‌شود تا داستان برای مخاطبان گسترده‌تری قابل فهم باشد.

استفاده از زبان عامیانه: دیالوگ‌ها و توصیفات داستان به زبان عامیانه و محاوره‌ای نزدیک است. این ویژگی، به باورپذیری و واقع‌گرایی بیشتر داستان کمک می‌کند.

لحن تلخ و انتقادی: با وجود سادگی زبان، لحن داستان تلخ و انتقادی است. ساعدی با به تصویر کشیدن مشکلات و ناهنجاری‌های جامعه، به طور ضمنی به نقد وضعیت موجود می‌پردازد.

استفاده از طنز تلخ: در برخی از قسمت‌های داستان، ساعدی از طنز تلخ استفاده می‌کند. این طنز باعث می‌شود تا پیام‌های انتقادی داستان تاثیرگذارتر شوند.

موضوع (Theme)

فقر و محرومیت: یکی از موضوعات اصلی داستان، فقر و محرومیت است. ساعدی به خوبی پیامدهای فقر را بر زندگی افراد نشان می‌دهد.

نابرابری اجتماعی: داستان به نقد نابرابری اجتماعی و ظلم و ستمی که بر مردم فقیر روا داشته می‌شود، می‌پردازد.

مقایسه با ویژگی‌های رئالیسم سوسیالیستی:

طبقه کارگر: داستان بر زندگی روستاییان تمرکز دارد که می‌توان آن‌ها را جزئی از طبقه کارگر تلقی کرد، اما تمرکز بر مبارزات طبقاتی و آگاهی طبقاتی به شکلی که در رئالیسم سوسیالیستی رایج بود، وجود ندارد. روستاییان در این داستان بیشتر قربانیان شرایط هستند تا مبارزان فعال.

قهرمان مثبت: در رئالیسم سوسیالیستی، قهرمانان مثبت با ویژگی‌های اخلاقی خاصی مانند فداکاری، شجاعت و اخلاق قوی، به عنوان الگو معرفی می‌شدند. در «مجلس تودیع»، شخصیتی با این ویژگی‌ها وجود ندارد. شخصیت‌ها اغلب درگیر مشکلات خود هستند و هیچ کدام به عنوان قهرمان مثبت قابل شناسایی نیستند.

پیروزی نهایی: رئالیسم سوسیالیستی به دنبال نمایش پیروزی نهایی طبقه کارگر و ساختن جامعه ایده‌آل بود. اما در «مجلس تودیع»، هیچ آمیدی به آینده بهتر وجود ندارد و داستان با احساس یاس و ناامیدی به پایان می‌رسد.

ایده‌آلیزاسیون: رئالیسم سوسیالیستی به تصویر کشیدن واقعیت به شکلی ایده‌آل‌زده شده تاکید داشت. در حالی که «مجلس تودیع» واقعیت تلخ و ناامیدکننده زندگی روستاییان را به تصویر می‌کشد. در نتیجه، می‌توان گفت که «مجلس تودیع» ضمن بهره‌گیری از برخی عناصر رئالیستی، با ویژگی‌های اصلی رئالیسم سوسیالیستی مطابقت ندارد. این داستان به طور عمده یک نمای واقع‌گرایانه از فقر، بی‌عدالتی و ناامیدی در روستا است، و نه یک نمایش ایده‌آل‌زده شده از مبارزه طبقاتی و پیروزی نهایی طبقه کارگر.

شخصیت‌پردازی: رئالیسم سوسیالیستی بر شخصیت‌پردازی قهرمانان و مثبت تاکید داشت. در «مجلس تودیع»، با این حال، شخصیت‌ها به دور از ایده‌آلیزاسیون، دارای ضعف‌ها و نقائص گوناگون هستند. هیچ قهرمان مثبت ایده‌آلی وجود ندارد و شخصیت‌ها بیشتر قربانیان شرایط اجتماعی هستند تا عاملان تغییر. فضای داستان: فضای روستایی داستان، به شکلی واقع‌گرایانه و بی‌پرده، فقر، بی‌سوادی و بی‌عدالتی را به تصویر می‌کشد. اما این تصویر، برخلاف رئالیسم سوسیالیستی که به دنبال ایجاد امید و ایده‌آل‌سازی بود، مملو از یاس و ناامیدی است. هیچ آمیدی به آینده بهتر در داستان وجود ندارد.

روایت: روایت داستان با زبان ساده و روشن، به شیوه‌ای واقع‌گرایانه پیش می‌رود. اما روایت غیر قضاوت‌گرانه نیست و با نشان دادن پیامدهای سیستم اجتماعی بی‌عدالتانه، به طور تلویحی آن را نقد می‌کند.

پیام نهایی: پیام داستان، بر خلاف رئالیسم سوسیالیستی که به پیروزی نهایی طبقه کارگر تاکید داشت، مملو از یاس و ناامیدی است. داستان به شکلی تلخ به تصویر کشیدن وضعیت نامطلوب اجتماعی می‌پردازد و هیچ امیدی به آینده بهتر نمی‌دهد.

نتیجه‌گیری

داستان نویسان به دلیل طراوت داستان بهتر از خشکی تاریخ، روایت می‌کنند و در قلم ساعدی به دلیل ویژگی‌های خاص شخصیتی، تخصص، تعهد و دوران تاریخی‌ای که سپری می‌کند و به ویژه نگاه ویژه‌ای که به داستان و داستان نویسی دارد، این طراوت بیشتر حس می‌شود. داستان مردمانی که پیوسته در مرز باریک واقعیت، خیال و کابوس زیسته‌اند. و سخن از خیال و کابوسهایی که جمعی اند و گاه ساعدی را هم در شگفت فرو می‌برند (23).

اینکه ساعدی داستان مبتنی بر عقاید می‌نویسد و این اندیشه‌ی داستان است که به طرز زیرکانه‌ای از زبان آدم‌های داستان جاری می‌شود.... اما اندیشه چه کسی و چرا؟ اندیشه که شخصیت‌های داستانی او را مات و مبهوت نشان می‌دهد و وهم و سرگردانی گریبانشان را گرفته است (24).

شخصیت‌های در ظاهر جادویی ساعدی خلق نشده اند و زاییده افکار ساعدی نیستند. بلکه این شخصیت‌ها آنقدر بکر و شگفتند که ساعدی فقط آن‌ها را روایت می‌کند. اما برای خواننده، باز جادویی می‌نماید و او را به شگفتی وا می‌دارد. نوشتن از زندگی چنین مردمانی به مراتب جذاب تر از خلق و آفریدن آن است (25). پس به جای خلق شخصیت‌ها آن‌ها را کشف می‌کند. اما ساعدی از این کشف خود بهت زده و حیران است. ضمن اینکه

این داستان‌ها را روایت می‌کند، دغدغه‌ای هم از آوردن آن دارد و آن اینکه چه شده است که گفتن از چنین مردمانی چنین عجیب و شگفت می‌نماید. به عبارت دیگر چه شده است که روایت مردمانی در یک سرزمین برای دیگر مردمان آن جادویی می‌نماید. آری، اوهام و افکاری که ساعدی از آن می‌گوید، همین است. داستایوفسکی به تلویح می‌گوید: اگر حوادث داستان‌های او را استثنایی و برخلاف عادت می‌یابیم، عیب کار از خود ماست و نه از او؛ چه حتماً این برداشت از مفهوم «احتمال و عادت است» که بر خطاست نه چیزی دیگر. در واقع رئالیسم دارای درک ساختاری از علیت است و نظریه ترتب علی را برای توضیح پدیده‌ها وافی به مقصود نمی‌داند. پس به جای اینکه سوال شود سبب چیزی چیست؟ از دیدگاه رئالیسم بهتر است پرسیده شود که چه چیزی تولید چه چیزی می‌کند و چه مکانیسمی موجب ترتب تجربی می‌شود. ساعدی نیز دقیقاً چنین می‌کند، اینکه چه چیزی سبب چه چیزی می‌شود. در واقع متمایز ساختن واقعیت‌های عینی از پندارها و تصورات قراردادی، یکی از جنبه‌های اصلی ادبیات رئالیستی است. اما از آنجا که «سیر اجتماع بنا به طبیعت متضاد خود، هر دم واقعیت‌ها را می‌پوشاند و آشکار می‌کند، زندگی اجتماعی بسیاری از واقعیت‌های عینی را در لفافه شعور کاذب و اعتقادات موهوم می‌پیچد. بالنتیجه فرد به افکار و معتقداتی که از جریان حقایق تاریخی دور افتاده است خو می‌گیرد و آن‌ها را جزئی از اندیشه خود می‌پندارد» (این اوهام و تصورات نادرست که عادت، سنت، اجتماع و محیط در ذهن ما جای داده است، به تدریج مأنوس و آرامش بخش می‌گردد. این تجربیات و این نوع زندگی که در ظاهر جادویی و افسانه‌ای می‌نماید، یگانه حاصلی است که از واقعیت بر جا می‌ماند. اینجا همان مرز واقعیت و فرا واقعیت است که ممکن است پی در پی جا به جا شود و ساعدی نیز در داستان هایش از آن عبور می‌کند. ساعدی از همان مردمانی سخن می‌گوید

که زندگی برای آن‌ها در دنیای اوهام (به زعم ما) ساده‌تر، شدنی‌تر و مأنوس‌تر است.

داستان «مجلس تودیع» غلامحسین ساعدی نمونه‌ای بارز از ادبیات رئالیسم سوسیالیستی است که با نگاهی انتقادی به مسائل اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد. ساعدی در این اثر، با استفاده از تیپ‌سازی، نقد نظام سرمایه‌داری، و نمایش زندگی طبقات فرودست، مؤلفه‌های اصلی این مکتب را به خوبی بازتاب می‌دهد. این داستان نه تنها یک اثر ادبی قدرتمند است، بلکه به عنوان ابزاری برای آگاهی‌بخشی و دعوت به تغییر اجتماعی نیز عمل می‌کند. داستان «مجلس تودیع» اثر غلامحسین ساعدی به عنوان نمونه‌ای برجسته از رئالیسم سوسیالیستی، توانسته است عناصر و مؤلفه‌های این مکتب ادبی را به خوبی در خود جای دهد. ساعدی با مهارت و دقت، توانسته است واقعیت‌های جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد را به تصویر بکشد و نقدی مؤثر بر نظام اجتماعی و اقتصادی ارائه دهد. او با استفاده از توصیفات دقیق و واقع‌گرایانه، خواننده را به دنیای مردم عادی می‌برد و به مشکلات و چالش‌های آنان پرداخته است. این توصیفات شامل جزئیات محیط زندگی، رفتارهای روزمره و مشکلات معیشتی است که همذات‌پنداری خواننده با شخصیت‌های داستان را تقویت می‌کند.

از طرفی، نقد نظام اجتماعی و اقتصادی در داستان به وضوح نمایان است. ساعدی با نمایش فساد، بی‌عدالتی و نابرابری‌های موجود در جامعه، به نقد نظام حکومتی و اجتماعی می‌پردازد و خواستار تغییرات بنیادی می‌شود. این نقدها نه تنها به بررسی وضعیت فعلی جامعه، بلکه به پیشنهاد تغییرات مؤثر جهت بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی نیز پرداخته‌اند.

همچنین، تأکید بر ارزش‌های انسانی و اجتماعی در داستان «مجلس تودیع» بسیار برجسته است. ساعدی با به تصویر کشیدن همبستگی، عدالت و صداقت، به خواننده یادآوری می‌کند که حتی در شرایط سخت و تلخ نیز، حفظ این ارزش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت افراد و جامعه کمک کند. شخصیت‌های داستان اغلب در مقابل فساد و بی‌عدالتی مقاومت می‌کنند و به دنبال تحقق عدالت و رفع نابرابری‌ها هستند. نهایتاً، نقش آگاهی‌بخش هنرمند نیز در این داستان به خوبی ایفا شده است. ساعدی با استفاده از هنر داستان‌نویسی، خوانندگان خود را به تفکر و تأمل درباره وضعیت جامعه واداشته و به نقش آگاهی‌بخش هنرمند در جامعه پرداخته است. او با نشان دادن واقعیات و مشکلات جامعه، به دنبال ایجاد آگاهی و تغییرات مثبت اجتماعی است.

در پایان، «مجلس تودیع» اثری است که با ترکیب مؤلفه‌های رئالیسم سوسیالیستی، توانسته است نه تنها به یک اثر ادبی برجسته تبدیل شود، بلکه به عنوان یک آینه برای جامعه و زمانه خود عمل کند. ساعدی با این داستان، توانسته است ارزش‌های انسانی و اجتماعی را برجسته کند و خوانندگان خود را به تفکر و تأمل درباره وضعیت جامعه وادار نماید. این اثر نشان می‌دهد که چگونه ادبیات می‌تواند به عنوان یک ابزار قوی برای نقد و تغییر اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The short story *The Farewell Ceremony* by Gholam-Hossein Sa'edi is a significant literary piece that encapsulates the core tenets of socialist realism, a literary movement deeply

intertwined with Marxist ideology. Socialist realism aims to reflect the struggles of the working class, expose economic inequalities, and critique the capitalist system, all while portraying a vision of class struggle leading to

a utopian socialist society (11). Sa'edi, known for his deep engagement with social issues, integrates these themes into his work through a detailed portrayal of lower-class hardships, systemic injustices, and the illusions maintained by power structures. *The Farewell Ceremony* presents an intricate narrative where the central event—a farewell gathering for an absent director—serves as a powerful allegory for the entrenched bureaucracy and its alienation from the common people (12). The absence of the director symbolizes the inefficacy of leadership and the passive role of the oppressed, who await the departure of their ruler as though it is a rare phenomenon, highlighting the cyclic nature of oppression and resignation. Through meticulous character development, stark realism, and symbolic undertones, Sa'edi creates a narrative that not only aligns with but also critiques socialist realism, shifting towards a more critical realist approach that exposes the dissonance between ideological aspirations and the lived experiences of the working class (13).

The application of socialist realism in Sa'edi's work is evident in its focus on lower-class characters and their socio-economic struggles. By depicting individuals trapped in a rigid hierarchical system where power is concentrated at the top and suffering is normalized at the bottom, the story embodies the core concerns of the movement. Sa'edi uses a distinct linguistic style, employing simple and direct language to make the narrative accessible to a broad audience, a

fundamental characteristic of socialist realism (14). Additionally, the story critiques the capitalist system through its depiction of class disparities, institutionalized corruption, and the illusion of meritocracy. The protagonist's environment—filled with bureaucratic formalities, superficial rituals, and the facade of change—mirrors the broader societal structure where economic and political systems reinforce social stagnation. This thematic concern aligns with socialist realism's objective of exposing capitalist exploitation, yet Sa'edi's approach diverges from strict ideological prescriptions by presenting characters who lack a clear revolutionary trajectory. Unlike the archetypal socialist realist hero, who rises from oppression to lead the proletariat, the individuals in *The Farewell Ceremony* remain caught in a cycle of inertia and disillusionment, challenging the notion of inevitable socialist triumph (17).

A critical analysis of the story's setting and character dynamics further reveals its alignment with socialist realism while simultaneously critiquing its limitations. The setting—a bureaucratic institution where power is concentrated in a distant figure—reflects the alienation of the working class from decision-making processes. Sa'edi masterfully constructs a microcosm of a stratified society, wherein the characters function within a predetermined hierarchy that dictates their roles and responses. The story's structural elements, such as its emphasis on dialogue and descriptive realism, underscore the social

constraints that shape human behavior. However, unlike conventional socialist realist works that offer a clear dichotomy between oppressors and revolutionaries, *The Farewell Ceremony* presents a more nuanced perspective. The workers are not merely victims awaiting liberation but are also complicit in perpetuating the very structures they lament. This depiction resonates with critical realism, which acknowledges the complexity of social change and the internalized ideologies that hinder collective action (10). Sa'edi's portrayal of passive resistance, cynical acceptance, and the normalization of suffering suggests a critique of both the capitalist system and the socialist realist tendency to present simplistic solutions to systemic problems (15).

Moreover, *The Farewell Ceremony* employs a satirical tone to challenge the grand narratives of both socialist realism and dominant power structures. The irony of a farewell ceremony for a director who is neither present nor truly departing exposes the absurdity of institutional rituals that serve as spectacles rather than instruments of genuine change (16). The dialogue-driven narrative, laced with dark humor, underscores the contradictions within bureaucratic and social institutions. Through its satirical approach, the story critiques the way socialist realism often romanticizes the struggle of the working class, offering an alternative perspective that emphasizes the psychological and cultural dimensions of oppression. Sa'edi's focus on psychological

realism—his exploration of characters' internal conflicts, frustrations, and conditioned resignation—further distinguishes his work from the prescriptive optimism of socialist realism. This psychological depth adds layers of realism that challenge the notion of a linear revolutionary progression, instead presenting a world where individuals navigate power structures through compromise, humor, and reluctant acceptance rather than direct confrontation (19).

The symbolic elements embedded in the narrative also contribute to its layered critique of socialist realism. The director, an invisible and inaccessible figure, symbolizes authority figures who dictate societal norms from an impersonal distance. His absence from his own farewell ceremony signifies the illusion of leadership and the performative nature of hierarchical structures. The ceremony itself, intended as a moment of transition, paradoxically reinforces the status quo, illustrating how bureaucratic rituals function to maintain rather than challenge existing power dynamics (4). The interactions between characters further reflect the socio-political climate, where genuine resistance is overshadowed by survival strategies such as appeasement, ritualistic formalities, and ironic detachment. These elements align with the principles of socialist realism in their depiction of social struggle but simultaneously critique its ideological rigidity by highlighting the contradictions and stagnation within oppressive systems. Sa'edi's narrative

strategy thus serves as both an extension and a critique of socialist realism, positioning *The Farewell Ceremony* as a work that transcends didacticism to offer a more introspective and critical engagement with social realities (18).

In conclusion, *The Farewell Ceremony* exemplifies the core elements of socialist realism while also challenging its ideological premises. Sa'edi's depiction of class struggle, bureaucratic absurdity, and psychological depth presents a multifaceted exploration of oppression that moves beyond the binaries of victimhood and heroism. By incorporating elements of satire, psychological realism, and symbolic critique, the story provides a more nuanced perspective on the complexities of social change. While socialist realism traditionally aims to inspire revolutionary consciousness, Sa'edi's narrative suggests that systemic transformation is hindered not only by external oppressors but also by internalized resignation and complicity. This critical stance aligns the work more closely with critical realism, which acknowledges the intricate and often contradictory nature of social and political realities (20). Ultimately, *The Farewell Ceremony* stands as a testament to Sa'edi's literary mastery, offering a compelling critique of both power structures and the limitations of ideological frameworks in capturing the lived experiences of the oppressed. Through its rich character portrayals, sharp social commentary, and satirical edge, the story challenges readers to reconsider the narratives that shape their

understanding of struggle, agency, and resistance in an increasingly complex world

References

1. Abbasi M. Analysis and Review of Gholam-Hossein Sa'edi's Works. Tehran: University of Tehran Press; 2005.
2. Abbasi M, Kosari R. Socialist Realism in the Works of Gholam-Hossein Sa'edi. *Journal of Contemporary Literature Review and Criticism*. 2008;12(3):45-68.
3. Parham S. Realism and Anti-Realism. 8th ed. Tehran: Agah Publications; 2015.
4. Peck J. Methods of Novel Analysis. 3rd ed. Tehran: Nashr Markaz; 2008.
5. Sarvat M. An Introduction to Literary Movements. Tehran: Sokhan; 2006.
6. Jamshidi Ei. Gohar Morad and a Willful Death. Tehran: Ghalam Publishing; 2002.
7. Salimi H. Social and Economic Criticism in the Stories of Gholam-Hossein Sa'edi. *Journal of Social and Cultural Studies*. 2010;14(2):123-40.
8. Bowers MA. Magical Realism. 2nd ed. Tehran: Nashr Neshaneh; 2014.
9. Asadi K. Gholam-Hossein Sa'edi. Tehran: Ghesseh Publishing; 2002.
10. Vargas Llosa M. Myth and Reality. Tehran: Negah Publications; 2015.
11. Lukács G. The Theory of the Novel: MIT Press; 1971.
12. Sa'edi G. Majles-e Tadi'. Tehran: Amir Kabir; 1975.
13. Jameson F. The Political Unconscious: Cornell University Press; 1986.
14. Eagleton T. Marxism and Literary Criticism: University of California Press; 1976.
15. Dastgheib A. Criticism of Gholam-Hossein Sa'edi's Works. 3rd ed. Tehran: Chapar Publications; 1977.
16. Zarshenas S. An Introduction to Approaches and Literary Movements, Vol. 2: From the Age of Realism to Postmodern Literature. 2nd ed. Tehran: Research Institute for Culture and Islamic Thought Publications; 2010.
17. Sartre J-P. Realism in Literature and Art. Tehran: Payam; 1945.
18. Burt RA. Imagination. 2nd ed. Tehran: Nashr Markaz; 2003.
19. Williams R. Marxism and Literature: Oxford University Press; 1977.
20. Fischer E. The Necessity of Art: Penguin Books; 1963.
21. Steinbeck J. The Grapes of Wrath. New York: Viking Press; 1939.

22. Javadi A. A Fragment Before Fragmentation: The Alphabet of Sa'edi's Works. Tehran: Afraz Publications; 2014.
23. Hadidi J. From Sa'adi to Aragon. Tehran: Elmi va Farhangi Publications; 1994.
24. Hanif M. Indigenizing Magical Realism in Iran. Tehran: Elmi va Farhangi Publications; 2018.
25. Rezaei N. Analysis of Socialist Realism in Contemporary Iranian Literature with an Emphasis on the Works of Gholam-Hossein Sa'edi: University of Tehran, Faculty of Literature and Humanities; 2015.